

«ایران» مزیت‌های تغییرساختار فنی و اجتماعی جام جهانی ۲۰۲۶ را بررسی می‌کند

تحول جهانی در مستطیل سبز

سینا حسینی / تصمیم فیفا برای گسترش جام جهانی به ۴۸ تیم، صرفاً یک تغییر عددی در ساختار یک تورنمنت نبود؛ بلکه نوعی بازتعریف فلسفه فوتبال در مقیاس جهانی محسوب می‌شود. از همان روز اول اعلام این تصمیم، فوتبال وارد دنگانه‌ای جدی شد؛ از یک سو نگاه سنتی که نگران افت کیفیت و فرسایش استانداردهای تاکتیکی بود و از سوی دیگر رویکردی که بر جهانی‌تر شدن فوتبال، گسترش جغرافیای رقابت و ورود صداهای تازه به بزرگ‌ترین صحنه ورزشی دنیا تأکید داشت. اما همان‌طور که تاریخ این ورزش بارها نشان داده، پاسخ نهایی نه در تحلیل‌های نظری، بلکه در زمین مسابقه شکل می‌گیرد.

براساس ۱۲ بازی ابتدایی این دوره، نشانه‌های اولیه بیش از آنکه نشانه افت کیفیت باشد، نشان‌دهنده تغییر ریتیم بازی‌هاست. ثبت ۳۸ گل در آغاز تورنمنت، بیانگر افزایش شجاعت

در تورنمنت ۲۰۲۶، فوتبال آسیا نیز چهره‌ای متفاوت از گذشته ارائه داده است. کره جنوبی و استرالیا با شروع‌های قدرتمند و کسب امتیاز کامل، نشان دادند که دیگر صرفاً مهمانان موقت این سطح نیستند. ژاپن و قطر نیز با نمایش‌هایی منظم و بعضاً غافلگیرکننده برابر قدرت‌های اروپایی، ثابت کردند که فاصله‌ها در حال بازتعریف است و نظم تاکتیکی می‌تواند بخشی از نابرابری تاریخی را جبران کند.

جام جهانی ۴۸ تیمی تنها یک پروژه ورزشی نیست؛ بلکه یک مدل اقتصادی و توسعه‌ای نیز به شمار می‌رود. در نگاه اول، صندلی‌های خالی در برخی ورزشگاه‌ها می‌تواند به عنوان نشانه‌ای از عدم توازن با افت جذابیت برخی بازی‌ها تفسیر شود، اما در لایه زیرین، این ساختار در حال گسترش یک بازار جهانی جدید است. هر تیم اضافه، به معنای ورود یک کشور تازه به چرخه رسانه‌ای، تبلیغاتی و حق پخش است؛ چرخه‌ای

مستطیل سبز

نظم آسیایی به اروپا هشدار داد

شمشیر سامورایی‌ها روی گردن هلند



ژاپن و هلند در دالاس، فقط ۲-۲ مساوی نکردند؛ دو سبک زندگی فوتبالی را تا مرز فرسایش بردند. هلندی‌ها با اتکای همیشگی به کنترل توپ و چرخش‌های «گراونبرخ» از نیم‌فصاها، بازی را ساخت، اما هر بار که به نظر می‌رسید قفل را باز کرده، ژاپن مثل موج دوم از راه می‌رسید و همه چیز را ریست می‌کرد.

ژاپن تیمی نبود که صرفاً دفاع کند؛ آنها فشار را به یک زاین تاکتیکی تبدیل کرده بودند. پرس هماهنگ در خط دوم، بستن خطوط پاس عمقی و حمله‌های سریع بعد از هر توپ‌گیری، دفاع سه نفره هلند را بارها از ریتیم انداخت. نتیجه این شد که هر برتری هلندی، عمر کوتاهی داشت؛ دو بار جلو افتادند، دو بار هم مجبور شدند دوباره شروع کنند.

«گراونبرخ» با دو پاس گل نشان داد مرز خلاقیات هلند هنوز زنده است، اما مسأله جای دیگری بود؛ مدیریت لحظه‌های بدون توپ؛ جایی که ژاپن با قدرت بدنی و نظم ذهنی، بازی را از کنترل هلند بیرون کشید و آن را به یک نبرد رفت و برگشتی تبدیل کرد.

این تساوی، بیش از یک امتیاز تقسیم‌شده بود؛ هشدار ژاپن به اروپا که دیگر فقط با نام و مالکیت نمی‌شود بازی را اداره کرد.

اکوادور در دقیقه ۹۰ مات شد

ساحل عاج در لحظه آخر زنده شد



ساحل عاج در جدال با اکوادور، بیش از آنکه صرفاً یک برد دقیقه‌۹۰ باشد، نمایش مدیریت ریسک و استفاده از لحظه‌ها بود. بازی در فز اول با احتیاط توپ و تمایل اکوادور به بستن عمق آغاز شد، اما کم‌کم به نبردی فرسایشی در میانه میدان تبدیل شد؛ جایی که تیرهای دروازه هم نشان دادند دقت نهایی، حلقه مفقوده هر دو تیم درست.

ساحل عاج با تغییرات تدریجی در ریتیم حمله و ورود مهره‌های تازه‌نفس، بویژه «اماد» به‌عنوان تعویض طلایی، توانست ساختار دفاعی فشرده اکوادور را در لحظه‌های شکننده پیدا کند. گل دقیقه ۹۰ نتیجه همین فشار جمعی و خستگی خطوط عقب‌نشینی بود.

در مرکز میدان، «میان دیوماند» ۱۹ ساله نقش یک موتور دوطرفه را بازی کرد؛ ۱۱ دوتل برده، ۵ تکل موفق، ۴ دریبل و ۵ پاس کلیدی، نشان می‌دهد او هم در تخریب و هم در خلق، تعادل کم‌نظیری ایجاد کرده است. این حجم از اثرگذاری در چنین سن و سطحی، ساحل عاج را از یک تیم واکنشی به تیمی پویا تبدیل کرد.

اکوادور با وجود انسجام دفاعی و کنترل مقطعی بازی، در لحظه آخر کم آورد؛ جایی که تصمیم‌گیری و تمرکز، تفاوت بین یک امتیاز و صفر را ساخت.



www.gettyimages.com

تقابل با تیم‌هایی مانند مراکش نشان می‌دهد که سطح رقابت‌ها بسیار افزایش یافته و دیگر هیچ مسابقه‌ای ساده نیست.

تیم ملی برزیل به دلیل پتانسیل فنی و کیفیت بازیکنانش به احتمال زیاد به سرعت شرایط خود را بهبود خواهد داد. واقعیت این است که فوتبال امروز کاملاً تغییر کرده و سطح رقابت در همه نقاط جهان بالا رفته است؛ به همین دلیل، حتی تیم‌های سنتی و مدعی نیز دیگر مانند گذشته مسیر آسانی ندارند و نمی‌توانند به راحتی جام را شکار کنند.

تقابل با تیم‌هایی مانند کوراسائو مقابل آلمان را چگونه تحلیل می‌کنید؟

هر تیمی که به جام جهانی می‌رسد، فارغ از اندازه یا جمعیت کشورش، با انگیزه و کیفیت خاص خود در مسابقات حاضر می‌شود. درست است که کوراسائو تیمی کوچک و کم‌تجربه محسوب می‌شود، اما حضور در جام جهانی به‌خودی‌خود نشان‌دهنده حداقلی از توانایی و شایستگی است.

نکته مهم‌ترین است که آلمان در ابتدای مسابقه حریف خود را چندان جدی نگرفته بود، اما هرچه بازی طولانی‌تر شد، کنترل کامل‌تری بر جریان مسابقه پیدا کرد و برتری خود را به حریف تحمیل کرد.

نتیجه‌ای غیرمنتظره بود. از زمان حضور پوچتینو روی نیمکت این تیم، نوسانات عملکردی زیادی دیده شده و حتی در دیدارهای دوستانه نیز ثبات لازم وجود نداشته است. همچنین مسیر صعود این تیم به جام جهانی نیز چندان مقتدرانه نبود. در میان سه میزبان، کانادا بیشترین پیشرفت و تغییرات مثبت را تجربه کرده است. کشوری که تا حدود یک دهه پیش تصور نمی‌شد در فوتبال جایگاه قابل توجهی داشته باشد، اما امروز به واسطه برنامه‌ریزی و توسعه ساختاری، به تیمی قابل احترام تبدیل شده است. عملکرد این تیم در جام جهانی اخیر قطر نیز نشان داد که روند پیشرفت آنها جدی و هدفمند است.

به همین دلیل، می‌توان گفت کانادا در میان میزبان‌ها، بیشترین میزان شگفتی و رشد را داشته است.

شروع ضعیف برزیل در جام جهانی را چگونه تحلیل می‌کنید؟

به نظر می‌رسد باید با صبوری به عملکرد برزیل نگاه کرد. این تیم همچنان از نظر فنی و کیفی در سطح بالایی قرار دارد و می‌تواند در ادامه رقابت‌ها، نسخه‌ای قدرتمندتر از برزیل را شاهد باشیم.

البته نباید از کیفیت بالای حریف نیز غافل شد.

تیم ملی برزیل به سرعت شرایط خود را بهبود خواهد داد. واقعیت این است که فوتبال امروز کاملاً تغییر کرده و سطح رقابت در همه نقاط جهان بالا رفته است؛ به همین دلیل، حتی تیم‌های سنتی و مدعی نیز دیگر مانند گذشته مسیر آسانی ندارند

هر تیمی با چالش‌ها، فرصت‌ها و نشانه‌هایی از تغییر نسل و تغییر سبک بازی مواجه است. به‌یادماندگاری این رقابت‌ها و تحلیل فنی مسابقات روزهای اخیر با فرزاد آشوبی، بازیکن اسبق تیم ملی و مربی جوان فوتبال ایران گفت و گو کرده‌ایم که در ادامه می‌خوانید:

همچنین در یک جام جهانی ۴۸ تیمی، طبیعی است که فاصله سطحی میان برخی تیم‌ها کاملاً محسوس باشد؛ هرچند تعداد گل‌ها تا اینجا جذابیت رقابت‌ها را افزایش داده است.

آیا عملکرد گلزنی آلمان (۷ گل از مجموع ۳۸ گل) نشانه بازگشت قدرتمند این تیم به جمع مدعیان است؟

نمی‌توان صرفاً بر اساس تعداد گل‌ها درباره جایگاه یک تیم قضاوت کرد. آلمان در حال حاضر در یک دوره گذار قرار دارد؛ دوره‌ای که می‌تواند مقدمه‌ای برای بازگشت این تیم به سطح اول فوتبال جهان باشد.

این تیم در برخی پست‌ها با بازیکنان بسیار باکیفیت در سطح جهانی برخوردار است، اما در برخی پست‌ها هنوز با کمبودهایی مواجه است. همین عدم توازن باعث می‌شود فعلاً آلمان را در حد یک مدعی جدی برای قهرمانی ندانیم. در آینده نزدیک می‌توان انتظار داشت که یک آلمان متفاوت و منسجم‌تر را ببینیم. بنابراین، صرف تعداد گل‌های زده معیار دقیقی برای ارزیابی قدرت یا مسیر قهرمانی یک تیم نیست.

با توجه به نتایج تیم‌هایی مثل ژاپن، کره جنوبی، استرالیا و حتی قطر، آیا می‌توان گفت فوتبال آسیا در حال پیشرفت جدی است؟

موفقیت در فوتبال نیازمند برنامه‌ریزی بلندمدت، صبوری و توسعه ساختاری است؛ چیزی که بسیاری از کشورهای آسیایی به‌تدریج به آن رسیده‌اند. ژاپن نمونه‌ای شاخص است؛ تیمی

مهری رحبیر / در روزهایی که جام جهانی با شتابی پرگل و غیرقابل پیش‌بینی آغاز شده، نتایج ابتدایی مسابقات بار دیگر نشان داده‌اند که فوتبال مدرن دیگر در قالب‌های سنتی گذشته قابل‌تعریف نیست. از میان میزبانان این دوره تا مدعیان همیشگی قهرمانی،

فرزاد آشوبی، بازیکن اسبق تیم ملی فوتبال در گفت‌وگو با «ایران»:

مهری رحبیر / در روزهایی که جام جهانی با شتابی پرگل و غیرقابل پیش‌بینی آغاز شده، نتایج ابتدایی مسابقات بار دیگر نشان داده‌اند که فوتبال مدرن دیگر در قالب‌های سنتی گذشته قابل‌تعریف نیست. از میان میزبانان این دوره تا مدعیان همیشگی قهرمانی،

سوت آغاز که زده شود، این بازی بیشتر شبیه جدال دو روایت خواهد بود؛ عراق با قلبی داغ و نبضی تند، نرژو با ذهنی سرد و هندسه‌ای دقیق. تیم آسیایی انگار با زرهی از انضباط وارد زمین می‌شود؛ خطوط نزدیک به هم، فشرده و آماده برای انفجار در لحظه‌ای که توپ رود می‌شود. ضدحمله‌شان مثل برق از کناره‌ها آغاز می‌شود و هر خط‌ای کوچک حریف می‌تواند جرقه یک موقعیت خطرناک باشد. نرژو اما قصه را آرام‌تر می‌نویسد؛ با پاس‌هایی که مثل موج جلوی آیند و عقب می‌روند تا شگافی پیدا کنند. ضدضلعی‌های هماهنگ در میانه میدان، نبض بازی را در اختیار می‌گیرند و وینگرها مثل تیغه‌هایی تیز، عرض دفاع عراق را می‌پرند. در نوک خط حمله، یک تمام‌کننده بی‌رحم منتظر است تا کوچک‌ترین لغزش را به گل تبدیل کند. گلوگاه بازی جایی است میان این دو جهان؛ جایی که جنگ برای مالکیت، برای فضا و برای نفس کشیدن شکل می‌گیرد. اگر عراق بتواند بازی را به آشوب بکشانند، شانسش زنده می‌شود؛ اگر نرژو ریتیم را کنترل کند، بازی به سمت نظمی می‌رود. جنگ بیشتر به سود اروپایی‌هاست. اینجا، فوتبال فقط تاکتیک نیست؛ تقابل ضربان و منطق است.

۵ گل و یک پیام روشن سوئد آماده شکار بزرگ‌ها



سوئد در پیروزی ۵-۱ برابر تونس، بیش از آنکه صرفاً برتری فنی نشان دهد، یک نمایش کامل از کنترل ریتیم و بهره‌برداری بی‌رحمانه از فضاها ارائه کرد. بازی از ابتدا در اختیار سوئد بود؛ تیمی که با پرس هوشمند در نیمه زمین تونس، اجازه خروج تمیز از خط اول را نداد و در عمل بازی را در زمین حریف قفل کرد.

نقطه تمایز سوئد، هماهنگی خط حمله با محوریت ایساک و یوکرس بود؛ جایی که یکی نقش تمام‌کننده سپال را بازی می‌کرد و دیگری به‌عنوان مهاجم هدف، فضا برای موج دوم حملات می‌ساخت. نتیجه این تعامل، چندین موقعیت پایایی و تبدیل فشار به گل‌های متوالی بود؛ از جمله گل‌هایی که نشان داد تونس در پوشش نیم‌فصاها کاملاً دچار گسست شده است.

در سوی مقابل، تونس حتی با تغییرات ساختاری و تلاش برای جمع کردن خطوط، نتوانست با شدت انتقال سوئد سازگار شود. نکته کلیدی، ضعف در دفاع از توپ دوم و واکنش کند به تغییر جهت حملات بود؛ موضوعی که باعث شد هر ریپاند، به موقعیتی تازه برای سوئد تبدیل شود.

ایساک با یک گل و دو پاس گل، نه فقط بهترین بازیکن میدان، بلکه نقطه اتصال تمام فازهای هجومی بود. این برد نشان داد سوئد اگر در همین سطح از هماهنگی بماند، می‌تواند یکی از خطرناک‌ترین تیم‌های تورنمنت باشد.

کنترل سرد
غافلگیری داغ
اتریش | اردن
چهارشنبه ۲۷ خرداد ساعت ۲:۳۰ صبح

شطرنج
ریتیم و آشوب
آرژانتین | الجزایر
چهارشنبه ۲۷ خرداد ساعت ۴:۳۰ با بعداز

دوئل
نظم و نبض
عراق | نرژو
چهارشنبه ۲۷ خرداد ساعت ۱:۳۰ با بعداز

این مسابقه بیشتر شبیه شطرنجی است که یک طرفش استاد محاسبه نشسته و طرف دیگرش بازیکنی که با حرکات غیرمنتظره بازی را به هم می‌ریزد. آرژانتین با آن قالب کلاسیکش وارد زمین می‌شود؛ تیمی که می‌خواهد زمین را کوچک کند، توپ را نگه دارد و حریف را وادار به اشتباه کند. در گردن‌های کوتاه و پیوسته، انگار نخ‌های نامرئی میان بازیکنان کشیده شده؛ هر حرکت ادامه حرکت قبلی است و هر پاس، مقدمه یک ضربه نهایی.

در سوی دیگر، الجزایر با ذهنیتی متفاوت قدم می‌گذارد؛ تیمی که منتظر نمی‌ماند، بلکه لحظه را می‌قاپد. آنها با سرعت از دفاع به حمله می‌رسند، با کمترین تماس، بیشترین پیشروی را می‌خواهند و از فضاهای پشت مدافعان تقاضای می‌کنند. اگر توپ را بدزدند، زمین برایشان ناگهان بزرگ می‌شود و حمله مثل موجی رها پیش می‌رود. کلید بازی، کنترل فضاست؛ نه صرفاً توپ، بلکه کنترل فضای درون زمین را دیکته کند، بازی به شکل دلخواش درمی‌آید، اما اگر الجزایر موفق شود جریان را نگه‌کند و بازی را به صحنه دوتل‌ها انفجاری ببرد، تعادل به‌هم می‌ریزد. این نبرد، جنگ میان نظم و آشوب است؛ جایی که یک لحظه غفلت می‌تواند همه چیز را تغییر دهد.

شتاب
در برابر صبوری
گنا | پاناما
پنجشنبه ۲۸ خرداد ساعت ۲:۳۰ با بعداز

جدال
سرعت با فکر
انگلیس | کوراسا
چهارشنبه ۲۷ خرداد ساعت ۲:۳۰

بازی زمان
در برابر قدرت
پرتغال | کنگو
چهارشنبه ۲۷ خرداد ساعت ۲:۳۰

این دیدار، شبیه برخورد دو موج با جنس متفاوت است؛ گنا با انرژی کوبنده و تمایل به بازی عمودی، پاناما با نظمی که از دل محدودیت‌ها ساخته شده. غنا معمولاً می‌خواهد فاصله‌ها را کوتاه کند و بازی را به دوتل‌های سریع بکشانند؛ جایی که سرعت و قدرت بدنی، تعیین‌کننده می‌شود. در انتقال‌ها، برق آسا عمل می‌کنند و با چند لمس، خودشان را به حوالی محوطه می‌رسانند؛ تیمی که اگر فضا ببیند، تردید نمی‌کند.

پاناما اما با صبر جلومی‌آید؛ تیمی که داند کجا باید عقب بنشیند و کجا باید قدم جلو بگذارد. ساختار دفاعی فشرده، اولین لایه امنیت آنهاست و پس از آن، چشم به ضدحمله‌ها حساب‌شده دارند. ارسال‌های بلند و استفاده از توپ‌های دوم، بخشی از نقشه‌شان برای شکستن ریتیم بازی حریف است. کره این مسابقه در کیفیت تصمیم‌گیری در لحظات گذار بسته می‌شود. اگر گنا بتواند بازی را به فازهای کوتاه و انفجاری تبدیل کند، برتری‌اش نمایان می‌شود؛ اما اگر پاناما موفق شود جریان را کند و بازی را نگه‌کند، فرصت نفس کشیدن پیدا می‌کند. اینجا، تقابل شتاب و صبوری است؛ جایی که هر اشتباه، با فاصله‌ها مجازات می‌شود.

این بازی، دوتل دو تیمی است که هر کدام فوتبال را با زبان متفاوتی روایت می‌کنند؛ انگلیس با ضربه‌های مستقیم و قدرت، کوراسا با نگاهی ظریف و حسابگر. انگلیس معمولاً می‌خواهد بازی را با جلوه‌ها بدهد؛ پاس‌هایی رو به پیش، دوندگی بی‌وقفه و استفاده از عرض زمین برای کشیدن خط دفاعی حریف. در ساختار ۳-۴-۳، وینگرها مثل موتورهای کناری عمل می‌کنند و با نفوذهای پایایی، موقعیت خلق می‌شود. کوراسا اما بیشتر به کنترل فکرمی‌کند تا تسخیر. آنها توپ را نگه می‌دارند، سرعت بازی را تنظیم می‌کنند و با چرخش‌های هوشمندانه در میانه میدان، حریف را از فرم خارج می‌کنند. هافبک‌هایشان نه فقط بازیکن، بلکه طراح صحنه‌اند؛ کسانی که می‌توانند با یک پاس، چند خط را حذف کنند. وقتی فضا شکل بگیرد، حمله‌شان ناگهانی و دقیق است. سرنوشت این مسابقه در تقابل ریتیم‌ها رقم می‌خورد؛ اگر انگلیس بتواند بازی را به دویدن و برخورد بکشانند، دست بالا را خواهد داشت. اما اگر کوراسا موفق شود جریان را کند و قابل پیش‌بینی کند، نبض بازی را در اختیار می‌گیرد. اینجا، نبرد سرعت در برابر شعور بازی‌است؛ جایی که هر کدام بتوانند دیگری را به زمین خودش بکشاند، پیروز میدان خواهد بود.

این بازی، مثل برخورد یک جریان منظم با رودخانه‌ای خروشان است. پرتغال با ذهنیتی ساختارمند یا به میانه می‌گذارد؛ تیمی که می‌خواهد با صبر، فضا بسازد و با دقت، ضربه بزند. در آرایش ۳-۴-۲، هافبک‌ها نقش معمار را دارند؛ با جابه‌جایی‌های نرم، خطوط دفاعی حریف را می‌گشند و وینگرها را در موقعیت یک به یک قرار می‌دهند. توپ برای پرتغال فقط ابزار نیست، بلکه راهی است برای کنترل زمان و ضربات قابل، کنگو تیمی است که با انرژی خام و قدرت بدنی، قواعد را به چالش می‌کشد. آنها شاید کمتر به مالکیت فکر کنند، اما در دوتل‌ها بی‌امان‌اند و در لحظه انتقال، مثل تیری رها می‌شوند. پاس‌های عمقی سریع و حرکات مستقیم به قلب دفاع، سلاح اصلی آنهاست؛ تیمی که اگر فضا ببیند، مکت نمی‌کند و مستقیم ضربه می‌زند. کره بازی جایی باز می‌شود که این دو نگاه به فوتبال به هم می‌رسند؛ جایی میان صبر و انفجار. اگر پرتغال بتواند بازی را به ریتیم دلخواهش برسد، جریان آرام و کنترل‌شده پیش می‌برد؛ اما اگر کنگو موفق شود بازی را کنترل خارج کند و آن را به مجموعه‌ای از نبردهای فیزیکی و لحظه‌ای تبدیل کند، تعادل به خطر می‌افتد. اینجا، فوتبال روی لبه نظم و آشوب حرکت می‌کند.